



اختلاف در امت اسلام

کلیدواژه: اختلاف، امت اسلام.

پرسش: حدیث «اختلاف امتی رحمه» یعنی چه؟ مدارک این حدیث را پیدا نکرده‌ام. این حدیث از نظر محتوی چگونه توجیه می‌شود؟ وقتی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای امتش پیش‌بینی کرده بود که بعد از او امت به ۷۲ یا ۷۳ گروه تقسیم می‌شود، با این وجود رحمت یعنی چه؟

پاسخ: همه موارد اختلاف‌ها و تفاوت‌ها، غیر از اصول و مبانی فکری و دینی است که منابع اصیلی چون **وحی** و **سنت** پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و **سیره** اهل بیت گرامی او (علیهم‌السلام) را تحت تأثیر قرار دهد؛ یعنی همه موارد و اختلافاتی که منشأ آن **حسادت**، کینه‌توزی و صفات رذیله دیگر می‌باشد، ناپسند است و نمی‌توان بیان **حکم** و **عقل** کلی چون حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به آن تعلق گیرد و به عنوان **رحمت** تلقی گردد. مسئله **اختلاف** هم از نظر عقل و تحلیل‌های جامعه‌شناختی (با توجه به آثار سوء آن) و هم از دیدگاه **قرآن** و **نهج البلاغه** (منابع اصیل) جایگاه مثبت قابل دفاعی ندارد؛ بلکه با بیانات مختلف آن را سرکوب کرده، آثار وحشتناک آن را که امروزه در **جهان اسلام** شاهد آن می‌باشیم، تذکر داده‌اند.

فهرست مندرجات

- ۱ - بررسی پرسش
- ۲ - معنای اختلاف
- ۳ - اختلاف طبایع و بدن‌ها
- ۴ - رحمت نبودن اختلاف
- ۵ - اختلاف در قرآن
 - ۵.۱ - آیه ۱۱۰ سوره هود
 - ۵.۱.۱ - توضیح آیه
 - ۵.۲ - آیه ۷۱ سوره آل‌عمران
 - ۵.۲ - آیه ۷۲ سوره آل‌عمران
- ۶ - پامال شدن حق
- ۷ - اختلاف در نهج‌البلاغه
 - ۷.۱ - نابودکننده تفکر
 - ۷.۲ - باطل بودن یک طرف دعوا
 - ۷.۳ - اختلاف در قوم موسی
 - ۷.۴ - جهل و نادانی
 - ۷.۵ - پرهیز از آرای متشدد
 - ۷.۶ - رجوع به قرآن
- ۸ - اختلافات در صدر اسلام
 - ۸.۱ - موضع‌گیری عمر
 - ۸.۲ - موضع‌گیری ابوبکر و عمر
 - ۸.۳ - موضع‌گیری صحابه در سقیفه
- ۹ - خطرناک بودن عنصر اختلاف
 - ۹.۱ - روایتی از مجلسی
- ۱۰ - نتیجه بحث
- ۱۱ - منابع حدیث
- ۱۲ - راویان حدیث
- ۱۳ - بیان یک نکته
- ۱۴ - صحت روایات و نقل‌ها
 - ۱۴.۱ - حدیثی از پیامبر
 - ۱۴.۲ - مراد از فما وائق
- ۱۵ - نکته پایانی
- ۱۶ - پانویس
- ۱۷ - منبع

بررسی پرسش

برای پاسخ به پرسش، ابتدا اجزای سؤال تجزیه می‌شود؛ سپس هر کدام جداگانه تحلیل می‌گردد.

۱. اصل اختلاف در **امت اسلامی** یا امت‌های گذشته عنصر مثبتی است یا منفی، خیر است یا شر؟
۲. آیا در **اسلام** اختلاف عمده‌ای پیش آمده است یا خیر؟
۳. عناصر اختلاف‌زا در صدر اسلام چه چیزهایی بودند؟
۴. از نظر تحلیل عقلی، قرآنی و تاریخی و منابع اصیل مانند نهج البلاغه این **روایت** قابل توجیه و دفاع است یا خیر؟

معنای اختلاف

اختلاف در مقابل اتفاق است، خَلْف در مقابل امام است به معنی پشت سر، یعنی وقتی گفته می‌شود خَلْف اباه = پدر خود را خَلْف شد، معنایش این است که بر جای او نشست، او از دنیا رفت و دیگری بعد از او زنده ماند. همچنین وقتی گفته می‌شود، اَخْلَف وعده = خلف کرد وعده خود را، معنایش این است که وعده خود را پشت سر انداخت؛ لذا اختلاف از اموری پست است که طبع سلیم، آن را نمی‌پسندد؛ زیرا همه **طبايع** می‌دانند که با اختلاف، نیروها پراکنده و ضعیف می‌شوند. البته آثار سوء دیگری (از قبیل نزاع، مشاجره، جدال، کشت و کشتار، کینه‌توزی و **دشمنی**) نیز وجود دارد که هر کدام خود در سلب **امنیت** و **سلامتی** جامعه تأثیری بسزا دارند.

اختلاف طبایع و بدن‌ها

چیزی که هست یک نوع از اختلاف، اختلافی است که در عالم انسانی چاره‌ای از آن نیست و آن اختلاف طبایع است؛ منتهی به اختلاف بدن‌هاست. آری ترکیبات بدنی در افراد مختلف است و این نوع از **اختلاف** در ترکیبات بدنی باعث تفاوت و تنوع در استعدادها، بدنی و روحی می‌شود و با ضمیمه شدن اختلاف محیطها و آب و هواها، اختلاف سلیقه‌ها و سنن و آداب و مقاصد و اعمال نوعی و شخصی در مجتمعات انسانی پدید می‌آید و در علم الاجتماع ثابت شده که اگر این اختلافات نمی‌بود، بشر حتی لحظه‌ای قادر به **زندگی** نبود.^[۱] و این به معنی یکی از پدیده‌های معانی گرانسنگ آیه شریفه (لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم) است.

رحمت نبودن اختلاف

از طرفی همه این موارد که ناگزیر از اختلاف‌ها و تفاوت‌هاست، غیر از اصول و مبانی فکری و دینی است که منابع اصیلی چون **وحی** و **سنت** پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سیره اهل بیت گرامی او (علیهم‌السلام) را تحت تأثیر قرار دهد؛ یعنی همه موارد و اختلافاتی که منشأ آن حسادت، کینه‌توزی و صفات رذیله دیگر می‌باشد، ناپسند است و نمی‌توان بیان **حکم** و **عقل** کلی چون حضرت رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به آن تعلق گیرد و به عنوان **رحمت** تلقی گردد.

اختلاف در قرآن

- **قرآن کریم** آیاتی را در مذمت اختلاف بیان فرموده که با اندک تأملی می‌توان به **فساد** اختلاف و پی‌آمدهای سوء آن پی بُرد که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود:

← آیه ۱۱۰ سوره هود

۱. قرآن شریف می‌فرماید:

«وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفَضِي بَيْنَهُمْ وَ إِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ».^[۲]

اختلاف در اصول مهم اعتقادی مانند **توحید**، **معاد**، **نبوت** و... و به طور کلی تمام باورهایی که سرچشمه دینی دارند، مناسب نیست و علت تشمت امت‌ها می‌باشد؛ لذا می‌فرماید: «ما به **موسی** کتاب آسمانی دادیم؛ پس در آن اختلاف شد و اگر فرمان قبلی خدا (در زمینه **آزمایش** و **اتمام حجت** بر آنها) نبود، در میان آنان **داوری** می‌شد و آنها (هنوز) در شک‌اند، شکی نمی‌بینید به بدگمانی».

← توضیح آیه

در حقیقت **آیه** اشاره به این مطلب دارد که اگر امت **حضرت موسی (علیه‌السلام)**، مؤمن به کتاب آسمانی خود می‌شدند و ره اختلاف نمی‌پیمودند، هم از تعالیم یک دست و بکر آن استفاده می‌بردند و هم از **امتحان** و **آزمایش الهی** سربلند بیرون می‌آمدند و از **عذاب الهی** در امان می‌ماندند. پس اختلاف عامل **فساد** در امت موسی (علیه‌السلام) شد.

← آیه ۷۱ سوره آل‌عمران

در جای دیگر **قرآن** شریف می‌فرماید: «**يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ**».^[۳] در این **آیه** آمده است: «ای اهل کتاب: چرا **حق** را با **باطل** (می‌آمیزید و) مشتبه می‌کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند) و حقیقت را پوشیده می‌دارید؛ در حالی که می‌دانید».

← آیه ۷۲ سوره آل‌عمران

در آیه ۷۲ همین **سوره** بلافاصله توطئه **یهودیان** را در راستای متزلزل کردن اعتقادات **مسلمین** بیان می‌کند و می‌فرماید:

«وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ جَاءَ النَّهَارَ وَ أَكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ».^[۴] و جمعی از **اهل کتاب** (از یهود) گفتند: (بروید در ظاهر) به آنچه بر **مؤمنان** نازل شده، در آغاز **روز ایمان** بیاورید و در پایان **روز کافر** شوید (و باز گردید) شاید آنها (از آیین خود) بازگردند (زیرا شما را، اهل کتاب و آگاه از بشارت‌های آسمانی پیشین می‌دانند و این توطئه کافی است که آنها را متزلزل سازد)».

پایمال شدن حق

لذا می‌بینیم که اختلاف به عنوان یک عنصر منفی جلوه می‌کند، یعنی حرف‌ها و عقایدی است که یهود از پیش خود تراشیده و در نتیجه مردمی که پیرو آنها می‌شوند، در **شک** افتاده و از صراط حق متفرق می‌گردند و در ادامه سُبُل انحرافی بعد از انصراف از حق خودنمایی می‌کنند (فماذا بعد الحق الا الضلال)، انگیزه‌های قومی، قبیله‌ای، سیاسی، فرهنگی، حزبی و سایر دواعی خود را نشان می‌دهند و به طور کلی **حق** پایمال و سرکوب می‌گردد و این نتیجه اختلاف است.

اختلاف در نهج‌البلاغه

در این باره به چند **حکمت** از **نهج‌البلاغه** توجه کنید:

← نابودکننده تفکر

امام‌المتقین علی ابن ابی‌طالب (علیه‌السلام) پیرامون ارزش‌گذاری اختلاف در یکی از حکمت‌ها اختلاف را به عنوان وسیله نابودکننده **تفکر** و اندیشه‌های ناب معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«**الخلافة يهدم الراي**؛ اختلاف نابودکننده اندیشه است».^[۵]

← باطل بودن یک طرف دعوا

- و در حکمت دیگر ریشه اختلاف را به **باطل** می‌رساند و حداقل یک طرف دعوا را باطل می‌داند، لذا می‌فرماید:

«**ما اختلف دعوتان الا كانت احدهما ضلالة**؛ دو دعوت به اختلاف نرسد، جز این‌که یکی باطل باشد».^[۶]

← اختلاف در قوم موسی

- پیرامون اختلاف در قوم **موسی (علیه‌السلام)** بعد از نجات از جور فرعونیان در حکمت ۳۰۸ می‌فرماید: «شخص یهودی به **امام (علیه‌السلام)** گفت: هنوز پیامبرتان را دفن نکرده، درباره‌اش اختلاف کردید؟ امام (علیه‌السلام) فرمود: ما درباره آنچه که از او رسیده، اختلاف کردیم (دیگران اختلاف افکندند) نه خود او؛ اما شما **یهودیان**، هنوز پای شما پس از نجات از **دریای نیل** خشک نشده بود که به پیامبرتان گفتید: «برای ما خدایی بساز، چنانچه **بت پرستان** خدای دارند و پیامبر شما گفت: شما مردمی نادانید».^[۷] [۸]

← جهل و نادانی

- از این بیان نورانی روشن می‌شود که ریشه اختلاف، **جهل** و نادانی به مقام حضرت **خالق** و جایگاه **انبیا** و خدمات آنهاست؛ پس عنصر **خدا وحی** است.

← پرهیز از آرای متشبت

- در یکی از خطبه‌های **نهج البلاغه** در نکوهش اختلاف و عامل زدودن آن بیانی دارند که بسیار راه‌گشاست، می‌فرماید: «دعواتی نسبت به یکی از احکام اجتماعی نزد عالمی می‌برند که با رای خود حکمی صادر می‌کند. پس همان دعوا را نزد دیگری می‌برند که او درست برخلاف رای اولی حکم می‌دهد. پس همه قضات نزد رئیس خود که آنان را به **قضاوت** منصوب کرده، جمع می‌گردند، او رای همه را بر حق می‌شمارد. (آنها که پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از **عترت** فاصله گرفتند، **حلال** را **حرام** و **حرام** را **حلال** می‌کردند و به خود اجازه می‌دادند که با **قیاس** و رای خود **احکام دین** را به دلخواه تغییر دهند. تنها عمر در **حکومت** ده ساله خود ۹۴ نوع حلال را حرام اعلام کرد و نسبت به **حج تمتع** و **منعه** گفت: «انا أحرّمهما؛ تا دیروز حلال بود، من امروز حرام اعلام می‌کنم.» [۹]»
«در صورتی که خدایشان یکی، پیغمبرشان یکی و کتابشان یکی است، آیا خدای سبحان آنها را به اختلاف امر فرمود که **اطاعت** کردند؟ یا آنها را از اختلاف پرهیز داد و **معصیت** خدا نمودند؟...» [۱۰]

- همان‌طوری که عنایت فرمودید، جناب مولی **علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام)** به شدت از نزدیک شدن به اختلاف و آرای متشبت در احکام قطعی **اسلام** عالمان و افرادی بیم می‌دهد و هشدار می‌دهد که در صورت دچار شدن و فرو رفتن در این **ردیله اخلاقی** و اعتقادی، **معصیت**، و مخالف با حضرت حق حتمی است.

← رجوع به قرآن

- در ادامه **خطبه ۱۸** عامل مهمی را که در کنار گذاشتن اختلافات مؤثر است، معرفی می‌فرماید:
«آیا خدای سبحان، دین کاملی فرستاد، پس پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در **ابلاغ** آن کوتاهی ورزید؟ در حالی که خدای سبحان می‌فرماید: «ما در قرآن چیزی را فروگذار نکردیم.» [۱۱]
و فرمود: «در قرآن بیان هر چیزی است.» [۱۲]
و یادآور شد که: «بعضی **قرآن** گواه بعضی دیگر است و اختلافی در آن نیست. پس خدای سبحان فرمود: اگر قرآن از طرف غیر خدا نازل می‌شد، اختلافات زیادی در آن می‌یافتند.» [۱۳]
همانا قرآن دارای ظاهری زیبا و باطنی ژرف و ناپیداست، مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و اسرار نهفته آن پایان نمی‌پذیرد و تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد.» [۱۴]
در حقیقت **امام (علیه‌السلام)** در این خطبه مهم‌ترین روش در زدودن اختلاف را، رجوع به قرآن می‌داند؛ البته با در نظر داشتن بیانات اهل ذکر که مفسرین واقعی این کتاب مقدس صامت هستند.

اختلافات در صدر اسلام

- در صدر **اسلام** بعد از رحلت جانسوز پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و حتی قبل از این واقعه، این عامل منفور (اختلاف بین امت اسلام) خود را نشان داد و در صفوف به هم پیوسته مسلمین رخنه کرد و شکاف‌های عظیمی را پدید آورد که آثار سوء و دردناک آنها را شاهد هستیم؛ برای نمونه به چند عنوان آن اشاره می‌شود:

← موضع‌گیری عمر

از جمله جرقه‌های اختلاف در امت اسلام پیش از رحلت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌توان به موضع‌گیری **عمر بن خطاب** اشاره کرد که در برابر فرمان **رسول خدا** در لحظات بیماری فرمود: برای من کاغذ و مرکب بیاورید تا برای شما نامه‌ای بنویسم که هرگز گمراه نشوید. (فاجعه روز پنجشنبه که در **صحیح بخاری** و **صحیح مسلم** آمده است. [۱۵] [۱۶] [۱۷])

← موضع‌گیری ابوبکر و عمر

- دومین مورد مخالفت و اختلاف را خودداری برخی **صحابه**، از پیوستن به سپاه اُسامه بود که حضرت رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این سپاه را تشکیل داد و دو روز پیش از درگذشت خود، به آنها دستور داد که به آنها بپیوندند و با آن حرکت کنند.
ابوبکر و عمر و برخی صحابه، از رفتن به پادگان خودداری کردند، به بهانه اداره امور **خلافت در مدینه** ماندند با آن‌که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کسانی را که از سپاه **اسامه** عقب بمانند، لعنت کرده بود: «**لَعْنَةُ اللَّهِ مِنَ تَخَلَّفَ عَنِ جَيْشِ اسَامَةَ**». [۱۸]

← موضع‌گیری صحابه در سقیفه

سومین علم تاریک مخالفت، موضع‌گیری خطرناک بیشتر صحابه در **سقیفه** بود که آشکارا با **آیات قرآن** و **سنت رسول خدا** مخالفت می‌کند؛ زیرا پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روز **غدير خم** با حضور همه صحابه، امام علی (علیه‌السلام) را به خلافت تعیین کردند و این در بازگشت از **حجة الوداع** بود. با این‌که مهاجرین و انصار در میان خود بر سر تعیین خلیفه اختلاف داشتند، ولی سرانجام با هم توافق کردند که گفته‌های پیامبر را زیر پا نهند و ابوبکر را خلیفه سازند. هر چند این کار به بهای جان عده‌ای تمام شود و آستین‌ها را بالا زدند تا هر کس را که مخالفت کرد - هر چند از نزدیک‌ترین خویشاوندان پیامبر باشند - بکشند. (بالاترین دلیل بر این امر، تهدید عمر بن خطاب به **آتش زدن خانه فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها)** با افراد درون خانه بود. [۱۹] [۲۰])

خطرناک بودن عنصر اختلاف

این سه جریان، به اختلاف صدر **اسلام** اشاره دارد؛ از باب نمونه توجه به خطرناک بودن عنصر اختلاف بدان اشاره شده است؛ یعنی با تحلیل ریشه‌های اختلاف به این نکته خواهیم رسید که پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که از همه افراد بشر تا **قیامت** به مضرات این مسئله بیشتر واقف بودند، هیچ‌گاه دستور و توصیه به انجام اختلاف بین امت خود نمی‌نمایند و یا آن را **رحمت** توصیف نمی‌کنند؛ بلکه برعکس از شعبه شعبه کردن امت **انذار** فرموده بودند.

← روایتی از مجلسی

علامه مجلسی در ج ۸ از بحارالانوار، چاپ بهادری، ص ۲۳۹، روایتی را از **انس بن مالک صحابه پیامبر** نقل می‌کند که روزی در حضور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نشسته بودیم ...

در ذیل این روایت خطاب به **امام علی (علیه‌السلام)** می‌فرماید: «یا ابا الحسن! امت موسی (علیه‌السلام) بعد از او هفتاد و یک **فرقه** شدند، یک **فرقه اهل بهشت** و بقیه **اهل جهنم** خواهند بود و امت **عیسی (علیه‌السلام)** بعد از او هفتاد و دو فرقه شدند که یک فرقه اهل نجات و بقیه گمراه گردیدند.»
و امت من به‌زودی به هفتاد و سه فرقه منشعب می‌شوند که یک فرقه از آنان نجات پیدا کرده، به **بهشت** می‌روند و بقیه به آتش می‌روند. سپس علی (علیه‌السلام) از رسول خدا **فرقه ناحیه** را طلب می‌کند و رسول خدا می‌فرماید: یا علی! آنان کسانی هستند که به تو و اصحاب تو متمسک می‌شوند. [۲۱]
این روایت صراحت دارد که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از اختلاف در امت اسلام گریزان بوده و هشدارهای مناسب را در عرصه‌های مختلف بیان داشته‌اند.

نتیجه بحث

مسئله اختلاف هم از نظر **عقل** و تحلیل‌های جامعه شناختی (با توجه به آثار سوء آن) و هم از دیدگاه **قرآن** و **نهج البلاغه** (منابع اصیل) جایگاه مثبت قابل دفاعی ندارد؛ بلکه با بیانات مختلف آن را سرکوب کرده، آثار وحشتناک آن را که امروزه در **جهان** اسلام شاهد آن می‌باشیم، **تذکر** داده‌اند.

منابع حدیث

در پایان جهت اطلاع منابع و روات روایت (اختلاف اُمتی رحمة)، بیان می‌گردد.

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه**، ج ۲۷، ص ۱۴۱.

۲. علامه مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، ج ۱، ص ۲۲۷.

۳. علامه مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۶.
۴. طبرسی، احمد بن علی، **احتجاج**، ج ۲، ص ۳۵۵.
۵. شیخ صدوق، مجد بن علی، **معانی الاخبار**، ص ۱۵۸.

راویان حدیث

۱. **علی بن احمد بن مجد بن عمران الدقاق**.
۲. عن ابی‌الحسین **مجد بن جعفر الاسدی**.
۳. عن **صالح بن ابی‌حمّاد**.
۴. عن **احمد بن هلال**.
۵. عن **مجد بن ابی‌عمیر**.
۶. عن **عبدالله المؤمن الأنصاری**.

بیان یک نکته

در تمام منابع ذکر شده، این عبارت را از یک نفر نقل کرده‌اند (علی بن احمد بن مجد بن عمران الدقاق و به غیر از (ابن ابی‌عمیر) همه سلسله این نقل توفیق نشده‌اند؛ بلکه تضعیف شده و مورد طعن اصحاب **رجال** است.

صحت روایات و نقل‌ها

صحت **روایات** و نقل‌های رسیده را می‌توان با دو روش ریشه‌یابی کرد:

- أ. بررسی سلسله اسناد و مدارک در منابع قابل توجه اصیل روایی و رجالی.
- ب. عرضه قبل آن‌ها به متون قطعی الصدور؛ مانند: قرآن.

← حدیثی از پیامبر

لذا از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نقل شده که: **«ان علی کل حق حقیقه و علی کل صواب نوراً فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه»** [۲۳] [۲۲] [۲۴] هر حقی اصلی دارد که آن اصل میزان سنجش و معیار ارزیابی این **حق** است و هر صوابی (امر واقعی) نورانیتی دارد که صواب مزبور به وسیله آن نور شناسایی می‌شود؛ پس آنچه با میزان الهی، یعنی **قرآن کریم** موافق بود، بپذیرید و آنچه مخالف آن بود، واگذارید».

← مراد از فما واتیق

از تفریح ذیل **روایت** «فما واتیق» بر می‌آید که: «روایات همان حق است و حقیقت آن **قرآن کریم** است و صحت محتوای روایات در گرو موافقت با حقیقت آن (قرآن کریم) است و نوری که با آن راستی روایات سنجیده می‌شود، قرآن است». [۲۵] [۲۶]

نکته پایانی

نکته پایانی آن‌که حدیث «اختلاف امتی رحمة» به معنای آمد و شد و رفت و آمدها و روابط اجتماعی نیز معنا شده است که اگر این **حدیث** این‌گونه معنا شود، معنای درستی دارد و با اختلافی که سر از **تفرقه** درمی‌آورد، فرق دارد. البته در مورد اختلاف بحث‌های زیادی قابل طرح است که در این مختصر مقدور نیست.

پانویس

۱. ↑ طباطبایی، سید مجدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۴۴۷۰، ذیل تفسیر آیه ۱۱۸ از سوره هود، بی‌جا، انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه. 📄
۲. ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۰. 📄
۳. ↑ العمران/سوره ۳، آیه ۷۱. 📄
۴. ↑ العمران/سوره ۳، آیه ۷۲. 📄
۵. ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، حکمت ۲۰۵. 📄
۶. ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳. 📄
۷. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۱۲۸. 📄
۸. ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، حکمت ۲۰۸. 📄
۹. ↑ رازی، فخرالدین، تفسیر مفاتیح الغیب، ج ۱۰، ص ۵۴. 📄
۱۰. ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۸. 📄
۱۱. ↑ انعام/سوره ۶، آیه ۲۸. 📄
۱۲. ↑ نحل/سوره ۱۶، آیه ۸۹. 📄
۱۳. ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۸۲. 📄
۱۴. ↑ امام علی (علیه‌السلام)، نهج البلاغه، خطبه ۱۸. 📄
۱۵. ↑ بخاری، مجد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۸۴. 📄
۱۶. ↑ قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۲۵۹. 📄
۱۷. ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۹۳. 📄
۱۸. ↑ شهرستانی، مجد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۹. 📄
۱۹. ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۰۲. 📄
۲۰. ↑ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۲۶، ط بیروت، دار صادر. 📄
۲۱. ↑ علامه مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۳۰. 📄
۲۲. ↑ علامه مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۶۲. 📄
۲۳. ↑ علامه مجلسی، مجدباقر، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۲۷. 📄
۲۴. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹. 📄
۲۵. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۶۹. 📄
۲۶. ↑ جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۸۱ و ۸۰. 📄

منبع

سایت اندیشه قم، برگرفته از مقاله «اختلاف در امت اسلام»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۰۴/۲۲. 📄

